



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱ مهر ۱۴۰۳

موضوع کلی: امارات و ظنون

موضوع جزئی: ۴. شهرت - ادله حجیت - بررسی دلیل چهارم - بررسی کلام محقق نایینی مصادف با: ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۶ - کلام امام خمینی - شرح رساله حقوق - لزوم مراقبت در هنگام تشنگی و گرسنگی - سیری مذموم و آثار آن - پر نوشی و آثار آن

جلسه: ۹

سال شانزدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله حجیت شهرت فتوایی بود. نوبت رسید به دلیل چهارم یعنی مقبوله عمر بن حنظله. تقریب استدلال به این مقبوله بیان شد و اشکالاتی که نسبت به آن مطرح شده مورد بررسی قرار گرفت. پنج اشکال ایراد گردیده که ما اجمالاً آنها را مورد بررسی قرار دادیم و معلوم شد اکثر آنها وارد نیست. سپس کلام محقق نایینی را ذکر کردیم؛ البته محتوای کلام محقق نایینی در قالب برخی از این اشکالاتی که نسبت به مقبوله مطرح شده بیان گردید و ما در عین حال یک اجمالی از سخن محقق نایینی را اینجا بیان کردیم.

#### بررسی کلام محقق نایینی

اصل مدعای محقق نایینی این بود که اساساً این مقبوله ناظر به شهرت روایی است نه شهرت فتوایی، تکیه ایشان نیز بر تعلیل در این روایت است که فرمودند این تعلیل کلیت ندارد به گونه ای که شامل شهرت فتوایی شود. این با تعلیل «لأنه مسکر» در جمله «لاتشرب الخمر لأنه مسکر» فرق دارد. به علاوه «ال» در «المجمع علیه» چه در جمله اول و چه در جمله دوم که تعلیل است اشاره به خبر و روایت دارد. بنابراین در آن مورد سخن میگوید. لذا ایشان تأکید دارد که این روایت ناظر به شهرت روایی است. به هر حال ما دیگر مستقلاً لازم نیست که فرمایشات محقق نایینی را اینجا پاسخ دهیم.

بخشی از فرمایشات ایشان مربوط به باب تعادل و ترجیح است، مثل اینکه آیا شهرت فتوایی می تواند مرجح باشد یا خیر، این را در آن بحث باید دنبال کنیم. ایشان فرمود شهرت فتوایی نمی تواند مرجح باشد زیرا محتاج استناد است و ما استناد نداریم. به علاوه شهرت فتوایی نمی تواند جابر ضعف سند باشد زیرا آن هم نیازمند استناد است منتهی در مورد شهرت فتوایی قدما گفتند درست است که استناد در آن وجود دارد ولی قابل احراز نیست. شهرت فتوایی متأخرین هم با آنکه محرز است لکن اعتبار ندارد. پس شهرت فتوایی متقدمین اعتبار دارد ولی قابل احراز نیست زیرا استناد در آن است ولی ما نمی توانیم واقعا آن را احراز کنیم.

این بخش از فرمایشات ایشان که مربوط به حیث مرجح بودن شهرت فتوایی در تعارض بین خبرین است را باید در بحث تعادل و ترجیح دنبال کرد. اینجا عمدتاً باید ببینیم آیا منظور از مقبوله شهرت روایی است یا شهرت فتوایی؟ این عمدتاً مورد بحث است که

آیا مقبوله دلالت بر حجیت شهرت فتوایی می کند یا خیر؟

یک عده ای مثل محقق نایینی اصرار دارند که این شامل شهرت فتوایی نمی شود، اما بررسی هایی که انجام شد، قرائتی که در مقبوله وجود داشت اینها همه موید اشتغال مقبوله نسبت به شهرت فتوایی است.

### کلام امام خمینی

ایشان در کتاب یک عبارتی دارند که این در واقع می تواند یک جمع بندی باشد از آنچه که ما تا به حال گفتیم برای این مقبوله. «و الظاهر ان المراد من المجمع علیه بین الاصحاب و المشهور الواضح بینهم هو شهرة الفتاویه لا روائیه» ایشان که خیلی روشن می گوید که مقصود از عبارت «المجمع علیه بین الاصحاب» (جمله اول) همان شهرت فتوایی است نه روایی؛ «فان معنا المجمع علیه بینهم و المشهور لدیهم لیس الا هی، کما ان الموصوف بانه لاریب فیه هو الذی علیه شهرة الفتاویه بحیث کان مقابله الشاذ النادر» می فرماید: معنای مجمع علیه بین الاصحاب (دقت کنید، امام خمینی روی این تأکید می کنند، این یک قرینه محکمی است) آن چیزی است که بین اصحاب مشهور است، ظاهر مشهور بین اصحاب آیا الروایه المشهوره بین الاصحاب است یا فتوا؟ پس یک قرینه به نظر امام خمینی این است، یعنی خود تعبیر «المجمع علیه بین الاصحاب»

### سوال:

استاد: می تواند ولی ظاهر این روایت ... آن چیزی که بین اصحاب مشهور است آیا منظور روایت است؟ ما گفتیم منظور از مجمع علیه اتفاق نیست بلکه مشهور مقصود است ... ولی آن چیزی که بین اصحاب مشهور است این است که خود اصحاب یک حکمی را می دهند صرف نظر از استناد و دلیلش.

«کما ان الموصوف بانه لاریب فیه هو الذی علیه شهرت الفتاویه» تعبیر به «لا ریب فیه» یعنی هیچ ربی در آن نیست، به گونه ای که در مقابلش شاذ نادر است، سوال این است که واقعا شهرت فتوایی موجب عدم ریب است یا شهرت روایی مجرد عن الفتوی؟ شما فرض کنید یک روایتی شهرت دارد آیا واقعا به صرف شهرت روایی می توانیم بگوییم همین که روایت شهرت پیدا کرد این دیگر لاریب فیه؟ قطعاً نمی توان گفت زیرا ممکن است یک روایتی مشهور هم باشد ولی از روی تقیه صادر شده باشد.

«و اما نفس شهرة الروایة مجردة عن الفتوی فهی مورثة للریب، بل للاطمئنان او الیقین بخلل فیها.» ایشان از آن طرف می گوید نه تنها موجب ریب است بلکه اطمینان و یقین به خلافتش ایجاد می کند «بخلاف ما اذا اشتهر روایة بین الاصحاب بحسب الفتوی» ولی اگر یک روایتی بین الاصحاب بحسب الفتوی شهرت پیدا کرد «بحیث صار مقابله الشاذ النادر، فانها تصیر لاجله مما لا ریب فیها» به خلاف شهرتی که به حسب فتوا برای روایت پیدا شده است به گونه ای که مقابلش شاذ و نادر است. نفس فتوا و حکم مشهور به جهت یک روایت تصیر لاجله مما لاریب فیها این خود به خود باعث می شود بگوییم لاریب فیها.

تا اینجا معلوم شد که شهرت فتوایی منظور است. منتهی در شهرت فتوایی یک مشکل است. این شهرت فتوایی که اینجا بیان شده است شهرت فتوایی است که استنادش معلوم است. نه مطلق شهرت فتوایی یعنی به عبارت دیگر این دارد شهرت عملی را بیان می کند یعنی فتوای اصحاب بر اساس یک روایت.

«و معلوم ان مراده من قوله (علیه السلام) ان المجمع علیه لاریب فیه لیس جعل التعبد بذلک» این واضح است «ان المجمع علیه لا ریب فیه» نمی خواهد ما متعبد به شهرت فتوایی کند «بل تنبه بامر عقلائی ارتکازی بین العقلاء» بلکه دارد ما را متوجه می کند به یک امر عقلائی ارتکازی بین عقلا، آن امر ارتکازی بین عقلا چیست، «فان الاجماع و الاشتهار بین بطانة کل رئیس یکشف عن

رضاه به» می گوید اجماع بین طرفداران یک شخص یا شهرت بین آن کسانی که از خواص آن رئیس محسوب می شوند، نزدیکان و شاگردان، کاشف از رضایت رئیس به آن شیء است، «فاحدی الروایتین اذا کانتا بهذه الصفة یوخذ به و بالحکم المستند الیهما» اگر یکی از این دو روایت این گونه باشد که فتوا بر طبق آن داده شده و به آن اخذ شده، «و یترک الشاذ المقابل لها» آن شاذ مقابل کنار گذاشته می شود. تا اینجا بحث ترجیح را امام خمینی مطرح می کند «و قوله انما الامور ثلاثه کاتعلیل لقوله المجمع علیه و یترک الشاذ»، خود این انما الامور ثلاثه ارتباط دارد با جمله قبل، امام(ع) نمی خواهد یک جمله بی ارتباط را بگوید بلکه دقیقاً نقش همان تعلیل را دارد می گوید این عین همان جمله ای است که می گوید یوخذ به المجمع علیه و یترک به الشاذ، زیرا «فان الامور مطلقا، لا تخلوا من بین الرشد فیتبع و المجمع علیه کذلک و بین الغی فیجتنب و الشاذ النادر کذلک و امر مشکل»؛ این همان حکم تعلیل دارد.

بنابراین قرائنی که در این روایت است طبق کلام امام خمینی چند قرینه است که ما قبلاً اشاره کردیم و الان هم در مقام جمع بندی گفتیم. این در واقع جمع بندی پاسخ هایی است که به آن اشکالات دادیم و جمع بندی بر اشکالات محقق نایینی است که بالاخره یک قرائن روشنی در این روایت است و قدر مسلم اینجا منظور شهرت روایی نیست.

حال آیا مطلق شهرت فتوایی اعم از اینکه مستندش معلوم باشد یا نباشد یعنی شهرت شامل عملی هم بشود یا مقصود شهرت فتوایی است که مستندش معلوم باشد؟ یعنی کانه کلام ایشان ناظر به همان شهرت عملی است. ظاهر عبارت همان شهرت عملی است که در واقع این به عنوان مرجح به آن توجه دادند و اینکه این می تواند باعث ترجیح یکی از دو خبر بر دیگری شود.

### بحث جلسه آینده

محقق بروجردی یک تفصیلی بین شهرت قدمایی و متأخرین دادند ببینیم این سخن و استدلال ایشان چیست تا جمع بندی نهایی صورت بگیرد.

### شرح رساله حقوق

عرض کردیم یکی از حقوقی که امام سجاد (ع) در این رساله به آن پرداختند حق شکم است که این هم یک حقوق ایجابی دارد و یک حقوق سلبی هم دارد یعنی کارهایی که نباید انجام شود. سپس توصیه به اینکه باید شکم را از طریق حلال ارتزاق کرد. در حلال هم فرمودند باید میانه روی باشد، نهی از پرخوری و توصیه به کم خوری ولی در کم خوری باید به گونه ای باشد که آسیبی به بدن وارد نشود، حد اعتدال در خوردن. هم تقویت جسم باید لحاظ شود و هم به گونه نباشد که موجب حقارت و پستی و سستی شود. تا اینجا را یک توضیحی دادیم.

«وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَكَ لِقِيلَ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ وَأَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي الْحَلَالِ» نه آن را ظرف حرام قرار دهی، چه کم و چه زیاد بلکه اقتصاد و میانه روی حتی در حلال باشد، اما «وَلَا تُخْرِجَهُ مِنْ حُدِّ التَّقْوِيَةِ إِلَى حُدِّ التَّهْوِينِ وَذَهَابِ الْمُرُوَّةِ» آن را از حد تقویت جسم به حد پستی و سقوط شخصیت انسانی خارج نکنی. کاری نکنی که مروت و جوان مردی در تو زائل شود.

### لزوم مراقبت در هنگام تشنگی و گرسنگی

«وَضَبُّهُ إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا» می فرماید اگر گرفتار گرسنگی و تشنگی شدی، یعنی گرسنه شدی، تشنه شدی، و نفس تو بی قراری کرد، می گوید «إِذَا هَمَّ بِالْجُوعِ وَالظَّمَا»، نمی گوید هر وقت گرسنه یا تشنه شدی، می گوید در هنگام گرسنگی و تشنگی که تو را بی قرار می کند، این هم اصل گرسنگی و تشنگی را می گوید و هم بی قراری که نفس در این هنگام پیدا می کند، زیرا تعبیر «هَمَّ» استفاده می کند، «هَمَّ» اهتمام پیدا کرد، یعنی سر این موضوع مشغول شد، چه کار بکند؟ ضبطه، یعنی شکم را حفظ کن، اگر می بیند گرسنگی و تشنگی آن را آشفته یا بی قرار می کند آن را حفظ کند آن را مهار کند، ضبط کردن یعنی حفظ کردن و در اختیار گرفتن. شکم را ضبط کند رها نکند، در اختیار بگیرد و تحت سلطه خودش قرار دهد.

#### سیری مذموم و آثار آن

«فَإِنَّ الشَّبْعَ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التُّخَمِ مَكْسَلَةٌ وَ مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ» می گوید مراقبت کند در هنگام تشنگی و گرسنگی، وقتی به غذا رسید دیگر فراموش نکند حد خوردن و آنقدر بخورد و سیر شود که این آثار به دنبالش بیاید. فان الشبع یعنی آن سیری که صاحبش را به مرض سوء هاضمه مبتلا می کند، آن سه اثر دارد، «مَكْسَلَةٌ» کسل کننده است موجب سستی و وا ماندگی می شود. «مَثْبُطَةٌ وَ مَقْطَعَةٌ عَنْ كُلِّ بَرٍّ وَ كَرَمٍ» کسل می کند انسان را، درمانده می کند انسان را و او را از هر نیکی و کرامت دور می کند. قطع می کند پیوند انسان را با هر نیکی و احسان و خوبی، کأنه ما دو نوع سیری داریم یک سیری است که صاحبش را گرفتار نمی کند، سیری که صاحبش را نه دچار مرض می کند و نه دچار مشکلات روحی و اخلاقی، ولی برخی از سیری ها انسان را گرفتار می کند، برای اینکه گرفتار این مشکلات نشوی موقع گرسنگی بر خودت و شکمت مسلط باشد و نگذار سیری به حدی برسد که هم مشکل جسمی و بیماری سوء هاضمه پیدا کنی هم مشکلات اخلاقی و روحی برای شما ایجاد کند، سوء هاضمه یک مشکل داخلی است، سستی و کسالت یک امر جسمی است کسی که زیاد بخورد کسل می شود خسته می شود خواب آلود می شود و آدم درمانده ای می شود نمی داند چه باید بکند، انگار هیچ کاری از او ساخته نیست و در عین حال حتی از انجام کار خیر و هرگونه احسان به دیگران باز می ماند، عجیب است پرخوری انسان را از احسان به دیگران باز می دارد.

درباره افراط در رفع تشنگی یعنی پر نوشی هم می فرماید، ما یک پرخوری داریم و یک پر نوشی، هر دو ضرر دارد، برخی از روایات را ما قبلاً خواندیم و قصد تکرار آنها را نداریم، ما هم راجع به آثار سوء پرخوری (آثار جسمی و آثار روحی) مطالبی را گفتیم، راجع به آثار سوء کم خوری خارج از حد هم اشاره کردیم میانه روی و کم خوری نباید ضرری به جسم برساند آن هم آثار روحی و جسمی اش را ذکر کردیم. اینجا امام در قالب دو جمله به سیری مذموم یا پرخوری و پر نوشی آثار روحی و جسمی آن اشاره می کنند.

#### آثار پر نوشی

«وَ أَنَّ الرَّيَّ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى السُّكْرِ مَسْخَفَةٌ وَ مَجْهَلَةٌ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْمُرُوءَةِ» «ری» همان پر نوشی است، آن پر نوشی که صاحبش را به جایی می رساند که گرفتار مستی و زوال عقل می شود. آدم مست به چه اعتبار به او می گویند مست، زیرا چیزی را مصرف کرده که عقل او را زائل کرده است، پر نوشی یک نوع سکر برای انسان به دنبال دارد و این انسان را گرفتار سخافت می کند، انسان را به سوی نادانی می برد و مروت و جوان مردی را از انسان می گیرد و مذهبهُ للمروه.

این در واقع استدلال امام است برای جلوگیری از سیری مذموم، پر خوری کلا مذموم است، سیری غیر از پر خوری است، ان الشَّبْعَ الْمُنْتَهَى بِصَاحِبِهِ إِلَى التُّخَمِ پرخوری منتهی به این آثار می شود. هنگامی که انسان نیاز به غذا و آب دارد باید خود را کنترل کند،

انسان بر خودش مسلط شود، حال اگر گرسنه شد و گرسنگی او زیاد شد دیگر بی حد و حصر نخورد، انسان باید بر خودش و بر  
نفسش مسلط شود که نگذارد چنین اتفاقی بیفتد

والحمد لله رب العالمين»